

تأسیس و گسترش عرصه سیاست اقدام خارج از چارچوب‌های متعین حقوقی، اصالت دادن به ایدئولوژی و برخورد‌های ایدئولوژیک، اولویت دادن به مسئله اقتصاد و برخورد‌های شخصی بوده است. حال آن‌که عرصه سیاست یا فضای سیاسی عرصه‌ای است مشاع و هرکس می‌تواند به قدر سهم و همت خود از آن بهره‌گیرد و در آن انتفاع حاصل کند و اگر جز این باشد "انسان گرگ انسان خواهد بود."

سعید حجاریان قربانی کوشش خود در این راه و درک لوازم و الزامات آن است. ترور حجاریان قبل از هر چیز بیانگر وجود اراده یا اراده‌هایی است برای مسدود نگاه داشتن فضا/ عرصه سیاسی و بستن باب سیاست که نتیجه‌ای جز حل مسائل و مشکلات اجتماعی از طرق غیر سیاسی و قهرآمیز و خشن نخواهد داشت. نتیجه‌ای که نه به نفع نیروهای سیاسی موجود است و نه به نفع آحاد این ملت.

رامین کریمیان

گفتگو ۱۳۸

خانوادگی و فردی یا آن روبرو هستند، یا ناشی از قوانین محدودکننده و تبعیض‌آمیز مدون می‌بینند یا برخاسته از قوانین غیرمدون یعنی همان عرف جامعه. به کرات دیده‌ایم بسیاری از مسائل زنان که ریشه در عرف دارند اگرچه در خاموشی باقی می‌مانند و کمتر آشکار می‌شوند، اما دارای قدرت و قطعیتی انکارناپذیرند.

برخی از این مسائل که در درون جامعه ما پنهان مانده‌اند هر چند ممکن است از حیث حقوقی در بحث‌های تخصصی و آن هم به طور ضمنی مورد بررسی قرار گیرند، اما به محض عینی شدن و یا به تصویر درآوردن آن‌ها، بازتاب گسترده و آشکاری در جامعه پیدا می‌کنند. این بازتاب گسترده نشان از این دارد که نه تنها این مسئله از لحاظ اجتماعی هنوز برای افرادی از جامعه به قوت خود باقی است بلکه باب بحث کارشناسانه‌ای نیز برای حل و فصل آن باز نشده است؛ و به نظر می‌رسد با عینی شدن آن در فیلم یا سایر شبیه‌سازی‌ها، حرف‌ها و انتقادات فرصت می‌یابند که از بطن جامعه سبزبرآوردند و خواهان بررسی حقوقی دقیق‌تری برای حل آن باشند. مصداق این امر، بازتاب وسیعی بود که فیلم شوکران ساخته بهروز افخمی یافت. این فیلم به یکی از معضلات جامعه امروز ما اشاره دارد که بسیاری از تحقیقات و نقدهای جاری در زمینه

شوکران

در نتیجه سال‌ها مبارزه در راه دستیابی به حقوق خود، زنان مسائلی را که هم در زمینه اجتماعی-سیاسی و هم در زمینه

مسائل زنان چشم خود را بر آن بسته‌اند، یعنی بحث ازدواج موقت.

سیما ریاحی، زن جوان وزیبا، پرستار بیمارستان، طی برخورد با مرد جوانی متأهل، محمود بصیرت، و به پیشنهاد او برای مشروع شدن رابطه، به ازدواج موقت او در می‌آید. در این پیوند خوش آغاز و بد فرجام که به مرگ زن می‌انجامد سیما به مرد دل می‌بندد اما مرد از این رابطه چیزی جز کامی بی‌عاطفه نمی‌جوید. سیما در حالی که از محمود باردار است به استقبال مرگ می‌رود.

رویکردی که افخمی برای مطرح کردن ازدواج موقت برمی‌گزیند برای اولین بار، از جنبه نادیده‌گرفته شدن حقوق زن که به نابودی او در این چارچوب منجر می‌شود به این مسئله توجه می‌کند. شاید به دلیل همین رویکرد و تأکید خاص است که می‌بینیم حساسیت‌های موجود اما پنهان اجتماعی تاب‌دین حد نسبت به فیلم او برانگیخته می‌شود. این برانگیختگی بیانگر احساس

شرمی است که این ارتباط در زنان - چه زنانی که آن را راه حلی می‌دانند و چه آن‌هایی که آن را کاملاً مردود می‌شمارند - به وجود می‌آورد. حساسیت‌هایی که دایر بر ساختار نابرابر ارتباط "درجه دوم" است که می‌تواند انگیزه اعتراض سرسختانه عده‌ای از پرستاران در برابر این فیلم باشد.^۱

اینک پرسشی که پیش کشیده می‌شود پرسش ازدواج موقت است و این که با توجه به نیازهای افراد و ویژگی‌های روابط انسانی در دنیای امروز از یک سو و تغییر نقش زن در عرصه خانواده و جامعه از سوی دیگر، آیا چنین چارچوبی کارکرد لازم را برای روابط پیچیده انسانی به دست می‌دهد یا خیر؟

در ارزیابی ازدواج موقت همواره دو دیدگاه متضاد وجود داشته‌اند: یکی دیدگاهی که آن را به عنوان راه حلی برای تنظیم روابط زن و مرد به‌شمار می‌آورد و نیز یکی از امتیازهایی که شرع در اختیار می‌گذارد و از سوی دیگر دیدگاه دومی که آن را یک پوشش مذهبی برای تن‌فروشی می‌داند. اما علی‌رغم وجود این دو دیدگاه متضاد شاهد ماندگاری ازدواج موقت به عنوان یک روش هستیم. خود همین موضوع یعنی ماندگاری در عین وجود تضاد دلیلی کافی است برای پرداختن به آن.

در نوشته حاضر، سعی بر نشان دادن آن داریم که در واقع، این ساختار نابرابر



ازدواج موقت است که بیش از هر چیز موجب بروز ناهنجاری‌هایی در درون روابط انسانی و نیز در بیرون آن، در جامعه می‌شود. نابرابری‌هایی که موارد مشابه آن در ازدواج دائم نیز به چشم می‌خورد، مانند حق یک سو به طلاق برای مرد. در عین حال وجود تبعیض و نابرابری‌هایی که در سنت و عرف جامعه ما نسبت به زن وجود دارد، پشتوانه این قوانین بوده و حاصل آن همان رفتار ناعادلانه‌ای است که همواره به زن روا داشته می‌شود.

فیلم شوکران با نگرشی واقع‌گرایانه ازدواج موقت را از منظر جایگاه امروزی‌اش می‌بیند، با جسارت طرح موضوعی می‌کند که تا به حال کسی جرأت بیان آن را نداشته. تضادهای موجود در جامعه ما را آشکار می‌سازد و حتی با ترفند "غافلگیری"، قضاوت نادرست و شتابزده تماشاگر را به او یادآور می‌شود "به این امید که او در مورد داورهای سطحی و غیر منطقی خود در مورد آدم‌های پیرامونش در جامعه بیشتر بیندیشد"، در عین حال روان و اندیشه تماشاگر را درگیر و او را به واکنش و مشارکت فکری در موضوع فیلم دعوت می‌کند "و در یک کلام به گفته خود کارگردان:

"فیلم، درباره زنی است که ظاهراً آزاد است و صاحب حقوقی که در یک جامعه

متمدن برای زنان به رسمیت شناخته شده اما در حقیقت حتی از حقوقی که زنان جامعه سنتی ایران صد سال پیش، برخوردار بودند، محروم است."^۶ با وجود تمامی این مشخصه‌ها، دیدگاه کلی فیلم خود به ارزش‌داوری پرداخته و از این حیث قابل نقد است، "چرا که فراتر از چارچوب‌های ذهنی مخاطب گام برنمی‌دارد و... درگیر مطلق‌نگری‌های همیشگی و قضاوت‌های یک سو به است."^۷

اگرچه کارگردان خود معترف

است که "فیلم تلخ بی‌رحمانه‌ای است که هیچ دلداری نمی‌دهد و کسی را گول نمی‌زند"، اما به همین دلیل نیز نظام ارزشی سنتی و کلیشه‌ای را بسار دیگر برارتباط‌های پیچیده انسانی غالب می‌کند و از همان زاویه دیدی که نفی می‌کند به داور می‌نشیند و در نتیجه بازهم راه حلی جز حذف صورت مسئله نمی‌بیند. اما این بار به جای آن که مردان - یعنی پدر، برادر، شوهر - که بنا به سنت، با ریختن خون زن، ننگ را پاک می‌کردند، دست به کار شوند، زحمت این حذف را خود زن به عهده می‌گیرد و با خودکشی و ریختن خون خود همه چیز را بر سر جای اول باز می‌گرداند.

درواقع، راه برون‌رفتی که بهروز افخمی برای زن در تنگنا و بن‌بستی که ناگزیر به تنهایی بار این رابطه "مشروع اما

نامقبول" را به دوش می‌کشد. انفعال در برابر ظلم متوسل به قانون مرد و پرداخت هزینه‌ای معادل زندگی خود اوست. انگار مرد می‌تواند عدم وفاداری خود به ازدواج اول را با شرعی کردن رابطه دوم پاک کند. اما سیمای پایان فیلم شخصیتی کاملاً متفاوت با سیمای آغاز فیلم دارد. اگر سیما با همان آگاهی و اعتماد به نفسی که در شخصیت او در اول فیلم سراخ داریم بنا مشکل خود روبرو می‌شد و نمی‌خواست یا نمی‌پذیرفت که منفعلانه در برابر رفتار غیر مسئول و غیر اخلاقی محمود برخورد کند و همانند تصمیمی که از آغاز برای ارتباط با محمود گرفت این بار نیز تصمیم می‌گرفت که بر سر نوشتش فائق آید و خود را از این بن‌بست بیرون بکشد، می‌توان گفت که تازه کار واقعی سینماگر آغاز می‌شد. افخمی با نگاه کنجکاوی که به جامعه خود دارد مسئله نهان و حساسی را به میان می‌کشد. اما اگر او شانس زنده ماندن را به سیما می‌داد و اختیار و توان تصمیم‌گیری برای زندگی‌اش را برای او قائل می‌شد، بدون شک جریان آن‌طور هم که تصور می‌کنیم ترازیک نمی‌شد. اگر کارگردان برای سیما توان فکر کردن و واکنش قائل بود با پیش آوردن فرصت رودررویی و چالش در احقاق حقوق خود- حتی در چارچوب قوانین سنتی ازدواج موقت- ناتوانی و "زبونی" مرد را بر پرده

سینما نشان می‌داد، و مسلم همان احساس شرمی که به پرستاران دست داد، در وجود وجدان مردانی که در ذهنشان "سیما"ی خود را می‌کشند تا بتوانند زندگی خفیف، دروغین و توخالی خود را از سر بگیرند، نیز می‌نشست. مردانی که با اصرار آن قسمتی از حقیقت را که نمی‌پسندند، می‌پوشانند و خود را فریب می‌دهند.

در هر رابطه انسانی از هر نوع، چه در چارچوب قانونی یا غیر قانونی، شرعی یا غیر آن، ازدواج موقت یا دائم، اگر ارتباط در شرایط نابرابری شکل بگیرد یا در کل شکل ساختار ارتباط نابرابر باشد دو طرف از امتیازات و حقوق برابر برخوردار نباشند، همین امر عامل بروز زمینه ناهنجاری‌ها در روابط دورنی آن‌ها و نیز سوء رفتار یا سوء استفاده خواهد.

اگرچه شوکران از فیلم‌هایی به‌شمار می‌رود که بیشترین نقد را به خود اختصاص داد و در اکثر آن‌ها از مظلومیت سیما جانبداری به عمل آمد، اما هیچ‌یک از این نقدها به تحلیل و نقد موضوع محوری آن یعنی ازدواج موقت نپرداختند و تنها به تحلیل روانشناختی هریک از نقش‌ها اکتفا کردند. حال آن‌که به معلول پرداختن تنها ذکر مصیبت است و به شکستن دور باطل داوری میان عواطف زن و مسرد مددی نمی‌رساند.

شاید این کار برعهده سینماگران نباشد، اما مطمئناً در زمره وظایف محققان و پژوهشگران مسائل زنان است.

زیبا جلالی نائینی

یادداشت

۱. از آفتاب امروز، شماره ۴۷، ۶ اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۷.
۲. "سینما و شوکران حقیقت"، بیمن روغنی، مشارکت جوان، شماره ۳، اردیبهشت ۷۹، ص ۷.
۳. "گالنگیر کننده همراه با ساختاری سنجیده"، آرش نیک گو، صبح امروز، ۲۲ فروردین ۱۳۷۹، ص ۸.
۴. همان.
۵. "شوکران فیلم تلخ بیرحمانه‌ای است که هیچ دل‌داری نمی‌دهد و کسی را گول نمی‌زند"، از سینمای ایران، بامداد نو، شماره ۱۸۱، ۲۹ فروردین ۱۳۷۹، ص ۸.
۶. همان، ۷.
۸. "شوکران همینه تاریخ، تقابل خوب و بد"، میترا قاضوی، آفتاب امروز، ۲۱ فروردین ۱۳۷۹، ص ۸.

ایران، اوپک و قیمت نفت خام

حدود یک سال پیش از این، در آستانهٔ بهار ۱۳۷۸، اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به استثنای عراق، همراه چهار کشور صادرکننده خارج از اوپک (مکزیک، نروژ، روسیه و عمان) تصمیم گرفتند تولید نفت را حدود پنج میلیون بشکه در روز کاهش دهند - سهم اوپک در این

کاهش ۴/۳۲ میلیون بشکه در روز بود. با این توافق عرضهٔ جهانی نفت خام حدود دو میلیون بشکه در روز از مقدسار تقاضای آن کمتر می‌شد. به این ترتیب سطح ذخایر نفت کشورهای واردکننده پایین می‌آمد و موجب افزایش قیمت نفت می‌شد. این اقدام باعث شد در عرض کمتر از یک سال قیمت نفت خام در بازارهای جهانی سه برابر و تا بیش از سی دلار برای هر بشکه معامله شود.

سطح نازل قیمت نفت خام در سال ۱۳۷۷ کشورهای صادرکنندهٔ نفت را در بحران اقتصادی فرو برد و این دلیلی شد تا اوپک که در آن زمان همچون سازمانی گسیخته ظاهر شده بود بتواند میان اعضای خود هماهنگی و تفاهم بوجود آورد. اعتماد به سیاست تنش‌زدایی دولت ایران در عرصهٔ بین‌المللی و توسعهٔ روابط سیاسی با کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس و از همه مهم‌تر گسترش روابط ایران و عربستان سعودی عامل دیگری در شکل‌گیری این انسجام و دستیابی به توافق در میان اعضای اوپک بود.

در زمستان ۱۳۷۸ روند افزایش قیمت نفت تشدید شد تا آن‌جا که کشورهای واردکننده از خطر رکورد اقتصاد جهانی خبر می‌دادند و کشورهای صادرکننده از کاهش مصرف (در پی رکود اقتصاد جهانی) و از سقوط مجدد قیمت نفت ابراز نگرانی